۱۸۸

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

این ایّام دو تا مناسبت هست: یکی تولّد مولیٰ علی علیه‌السلام که ما چه تبریک بگوییم و چه نگوییم برای ما مبارک است. نه تنها برای ما مبارک است، اصلاً جزء وجود ماست. مثل اینکه من به‌واسطه‌ی وجود خودم به خودم تبریک بگویم.

امّا مناسبت دوّم روز پدر است. مسأله‌ی انتساب فرزند به ابوین (یعنی پدر و مادر) مسأله‌ای است که هم ادیان الهی به آن توجّه کرده‌اند و گوشه و کناره‌هایی داده‌اند و هم عامّه‌ی مردم در علمی که مربوط به نَسَب فرزندان آدم است، به آن پرداخته‌اند. مدّت‌ها بشر مثل سایر حیوانات به طبع با هم زندگی می‌کرد ولی طبیعت اجتماعی نداشت که این همراهی با هم را تقسیم‌بندی و مرتّب کند. بگوید چه کاری وظیفه‌ی این است و چه کاری وظیفه‌ی آن است ولی با هم زندگی می‌کردند. در این مدّت زن و مرد هم نسبت به فرزند هیچ‌گونه وظیفه‌ی اخلاقی نداشتند. الان فرض کنید وظیفه‌ی اجتماعی و اخلاقی شما این است که اگر در اداره‌ای کار می‌کنید، اخلاقاً موظّف هستید آن کاری که به شما رجوع شده، دقیقاً و خوب انجام بدهید. آنوقت برای خوب کار کردن، غیر از مزد، جایزه گذاشتند و برای بد کار کردن و ناقص کار کردن مجازات.

به‌هرجهت با همین ترتیبی که خداوند مقرّر کرده بود، نسل بشر حفظ شد و زحمات را مادر می‌کشید. اصلاً از پدر خبری نبود، حتّی کسی مدّت‌ها رفته بود در قبایل ترابریون زندگی کرده بود و بعد چند جلد کتاب در مورد عادات و رسوم آنها نوشت که ترجمه هم شده است. آنها می‌دیدند که مادر طفل را به دنیا می‌آورد و چون این را می‌دیدند برایشان قابل قبول بود، چاره‌ای نبود ولی نقش پدر را، هیچ می‌دانستند و چون زحمت حفظ قبیله، مواظبت در مقابل حملات دشمنان را، پدر می‌کشید به همین اندازه پدر را قبول داشتند ولی به‌هیچ‌وجه تصوّر نمی‌کردند که پدر و مادر در تولید فرزند مشترک هستند. سالی یک‌بار جشن‌هایی داشتند، می‌آمدند بیرون شهر مثل سیزده‌بدرِ ما و بعد که برمی‌گشتند می‌گفتند ارواحِ گذشتگانِ ما، در این زن نفوذ کرده و او حامله شده و بعداً بچّه به دنیا آورده است. هر بچّه‌ای در واقع فرزند یکی از گذشتگان حساب می‌شد.

امّا در این وسط وضعیت ادیان چطوری بود؟ دین یهود به پدر خیلی اهمّیت می‌داد و

این اهمّیت عکس‌العملِ آنوقتی بود که پدر را اصلاً به حساب نمی‌گرفتند. چون ریاست قبیله و اینکه مراقبت کنند از قبیله که دشمنان به آن حمله نکنند، از بین نبرند، با یک مرد بود و این ریاستِ قبیله به ارث می‌رسید، تا به‌ندرت گاهی رئیسی نبود، نمی‌دانم یا ضعیف بود، شخص دیگری تصرّف می‌کرد و این به ارث می‌رسید. در آنجا قدرتِ پدر در آزادی و بدون قیّم بودن، تبدیل شد به اینکه رئیسِ قبیله قیّمِ همه‌ی طبقه باشد. در آثار دینی هم به ندرت اسم زن‌ها را می‌آورند. مثلاً الان ما می‌دانیم که حضرت یعقوب، پدرِ حضرت یوسف، جمعاً از چندین زن که داشت، دوازده پسر داشت ولی نمی‌دانیم چند تا دختر داشت. چون آنها نقشی در خانواده، در قبیله نداشتند. همین وضعیت به مسیحیّت رسید. مسیحیّت احکام خاصّی نداشت، احکام مسیحیّت همان احکام یهود بود که در این باره در واقع اهمّیت دادن و قدرت دادن به پدر بود. در این زمان اسلام ظهور کرد. اسلام می‌خواست که تمام جهان یکپارچه بشود. از طرفی می‌خواست پدر را که تا آن تاریخ قادرِ مطلق بود و همه چیز از پدر، از مرد، ناشی می‌شد، عوض کند و مردم را متوجّه کند که پدر و مادر هر دو به‌اصطلاح مشترک هستند. منتها به این طریق اگر می‌خواست یک‌مرتبه قدرتِ پدر را کم کند، جامعه از هم می‌پاشید برای اینکه مردم عادت داشتند به پدر اهمّیت بدهند و یک‌مرتبه اگر پدر را حذف کنیم دیگر چیزی نمی‌ماند، این است که پدر را حذف نکرد. اشاراتی هم در آیات قرآن راجع به اهمّیت پدر هست ولی خیلی کم و گوشه و کنار آمده ولی اهمّیت مادر را مفصّل بیان کرده. نه اینکه پدر را فراموش کند. پدر را به حساب عُرف مردم گذاشت، چون خودشان روی عرف به پدر اهمّیت می‌دادند، روی عادتی که از قرن‌ها قبل در بین آنها بود. اسلام آمد گفت که مادر است که شما را چند ماه خودش نگه‌می‌دارد. این چیزهای واضحی که همه می‌دانیم ولی به آن توجّه نکرده بودند. گفت: چرا توجّه نمی‌کنید که مدّتی شما را حمل کرد، بعد وضع‌حمل برایش زحمت و ناراحتی داشت، بعد شما را شیر داد، آنوقت‌ها که کارخانه‌ی شیر خشک نبود که بروند شیر بگیرند، مادر باید شیر می‌داد. کسی هم نبود مادر را ملزم کند جز طبیعت و امر الهی. امر الهی نه اینکه مستقیم بگویند. یک‌وقت امر الهی مستقیم به پیغمبر است. مثلاً الهام می‌شود که اسم آن می‌شود «وحی» که در آیات قرآن می‌بینیم. یک وقت هست اینطوری که مثلاً مادری (در حیوانات) غذایی پیدا می‌کند به بچّه‌اش می‌دهد، خودش نمی‌خورد. چرا؟ آن بچّه چه تاجی به سرش زده؟ آن بچّه جز زحمت و ناراحتی ایجاد نکرده ولی با همه‌ی اینها مادر دوست دارد که این کار را بکند، این امر الهی است. امر الهی به این معنی که چون برنامه‌ی کارِ خداوند این است که جهان رو به تکامل برود، هر مادری دلش می‌خواهد که بچّه‌اش حتّی از خودش بهتر باشد و

برای این کار مادر فداکاری می‌کند، غذایی را که گیر آورد اگر کم است، اوّل بچّه‌اش را از آن سیر می‌کند بعد خودش می‌خورد. در اینجا هم خداوند می‌خواهد عقیده‌ی قبلیِ مردم را اصلاح کند و نشان بدهد که مادر مهمتر است و بعد تقریباً به نحوی بگوید که مادر، در خلقتِ فرزند نقش بیشتری دارد.

این بود که دولت‌هایی که بعداً مورد تقلید ما نیز واقع می‌شد، به مسأله‌ی مادر توجّه کردند. بعد از مدّتی که دیدند اعتراضاتی شد، یک روز پدر هم اضافه کردند. این در واقع تصنّعی است وإلّا پدر و مادر هر کدام سهمی دارند. مادر برای اینکه فرزندش سالم و خوب به دنیا بیاید، مقرّر شده است که کمتر کار کند و پدر بیشترِ زحمات را بکشد که به همین طریق کم‌کم مادر، در بعضی مواقع حتّی جایگزینِ پدر شد. بنابراین روز پدر هم که گرفتند، در واقع برای این است که فراموش نکنیم که پدر هم نقشی دارد ولی آنقدری که از مادر تجلیل شده از پدر تجلیل نشده است. همینطور خداوند که در خیلی موارد، مولودات، مخلوقات جدید را از دو شخص، دو منبع جداگانه و مستقل آفریده، هیچ‌کدام از این دو منبع را که اگر با هم باشند فرزند می‌آورند بر دیگری ترجیح نداده است.

در تاریخ ادیان الهی یکی از عادات و رسوم یهودیّت که زمان شروع مسیحیّت در آن وارد شد، مسأله‌ی وراثت بود. در آن ایّام دشمنان مسیحیّت یعنی روحانیّتِ یهودیِ قبلی، می‌خواستند مسیحیان را بطورکلّی نابود کنند ولی برای اینکه تعادلی برقرار بشود، در مسیحیّت و به‌خصوص بعداً در اسلام، این توجّه به جنس زن بیشتر شد کما اینکه در تاریخ ادیانِ الهی تا آنجا که ما اطلاع داریم، می‌گویند که حضرت عیسی علیه‌السلام از مادر متولّد شد بدون پدر ولی در هیچ جای تاریخ نیست که کسی معتقد باشد و بگوید که از یک مردی فرزند به دنیا آمد، این مزیّت فقط برای عیسی علیه‌السلام هست و برای مسیحیّت. منظور اینکه بگوییم خداوند در قرآن و در احکامش مرحله‌ی کمال ایجاد کرده یعنی از مسیحیّت یک‌خرده جلوتر رفته و برای مردم، روز پدر هم قرار داده است. این است که به‌هرجهت ما این روز را تبریک می‌گوییم، گواینکه این یک امر تصنّعی است و همه‌ی روزها روز پدر است و همه‌ی روزها روز مادر است. اینها به روز خاصّی بستگی ندارد ولی معذلک چون به نام اینها روزی را معیّن کرده‌اند، به امید اینکه آنهایی که برقرار کردند یعنی حکومت‌ها خودشان هم توجّه کنند و خودشان بدانند که پدرِ حکومت، ملّت است. به‌هرجهت این اهمّیت برای زن‌ها هست و امیدوارم که ان‌شاءالله از این محبّت و مرحمت الهی استفاده‌ی معنویِ فراوانی ببرند.

ان‌شاءالله هم در روز پدر، هم روز مادر، بر همه‌ی ما که همه‌مان هم پدر داریم و هم

مـادر، چـه در ایـن دنیـا و چـه در آن دنیـا، خداونـد ببخشـد. (برگرفتـه از گفتارهـای عرفـانی صـبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱)

*****

عرفـان و معرفـت الهـی از نظـر انسـان‌ها یعنـی از نظـر مخلـوقِ ایـن دنیـا، از یـک طـرف دریـای عظیمـی اسـت کـه هـر گوشـه‌ی آن هزارهـا دنیـا دارد ولـی یـک خصوصیّت ایـن دریـا مثـل همـه‌ی دریاهـا ایـن اسـت کـه در هـر جـای آن ایسـتاده باشـید و از هـر قسـمتی از آن کـه یـک جرعـه آب برداریـد، قابـل خـوردن اسـت و همـه‌اش، همـه جـا، مثـل هـم اسـت ولـی از طرفـی دارای درجـاتی اسـت. یـک وقـت از ایـن دریـا بـه انـدازه‌ی یـک اسـتکان برمی‌داریـد، یـک وقـت یـک کـوزه برمی‌داریـد، یـک وقـت هـم تـانکر آب پـر می‌کنیـد. همـه‌اش آب اسـت، همـه‌اش معرفـت و روشنایی است ولی به درجات مختلف.

عرفـان در اصـلِ نـوع بشـر جـزء فطـرتش قـرار دارد. چـون در بـین موجـودات و جانـداران، مخلوقـاتی کـه در کـره‌ی زمـین شـناخته می‌شـوند، فقـط انسـان اسـت کـه بـه وجـود خـودش شـعور دارد یعنـی غیـر از آنکـه انسـان خـودش وجـود دارد، خـودش هـم می‌فهمـد کـه دارای وجـودی اسـت و بـه آن وجـود شـعور دارد. از ایـن جهـتِ شـعور بـه انـدازه‌ی تمـام نفـوس جمعیـت، راه بـه سـوی شـناخت وجـود دارد. عرفـان عبـارت اسـت از شـناختِ خـود یـا شـناختِ خداونـد فـرق نمی‌کنـد کـه فرمودنـد کـه خـود را بشـناس تـا خـدا را شـناخته باشـی. یـا بـه‌قول بعضـی عبارت‌هـای دیگـر، خداونـد انسـان را بـر صـورت خـودش آفریـد. بـه‌هرجهت ایـن عرفـان، ایـن شـعور در ادیـان مختلـف وجـود دارد. (برگرفتـه از گفتارهـای عرفـانی صـبح جمعـه، تـاریخ ۱۳۹۵/۲/۳، جلسـه برادران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.